



عقلانیت موجود در فرهنگ و سنت اسلامی- ایرانی معرفی شود/ عقلانیت فرهنگ به‌مثابه نوعی واکنس فرهنگی است

یک محقق با بیان اینکه مادامی که عقل مدرن و علم همبسته به آن تنها معیار تعیین کننده درستی ارزش‌ها و تنها مرجع داوری در مورد عقلانی و یا غیرعقلانی بودن سنت‌ها و فرهنگ‌های سنتی باشد ...

یک محقق با بیان اینکه مادامی که عقل مدرن و علم همبسته به آن تنها معیار تعیین کننده درستی ارزش‌ها و تنها مرجع داوری در مورد عقلانی و یا غیرعقلانی بودن سنت‌ها و فرهنگ‌های سنتی باشد با مشکلاتی روبرو هستیم، گفت: با توجه به شرایط یکی از راه‌هایی که بر راه‌های دیگر اولویت دارد، معرفی صحیح عقلانیت موجود در فرهنگ و سنت اسلامی- ایرانی از یکسو و عقلانیت موجود در فلسفه و علم و مدیریت دنیای مدرن از سوی دیگر باشد. دکتر رضا ماحوزی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفتگو با خبرنگار مهر در پاسخ به این سؤال که فراموشی سنتها باعث انقطاع فرهنگی و شکاف نسلی فرهنگی می‌شود. یکی از عواملی که باعث فراموشی سنتها می‌شود، غرق شدن در مدرنیته و هویت مدرن است. آیا می‌توان بخشی از هویت مدرن را گرفت و دچار فراموشی سنتها نشد؟، گفت: فراموشی سنتها در عصر مدرن بیش از آنکه انتخابی آگاهانه باشد، به عقیده برخی پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است.

وی افزود: در گفتگوی منتشر شده از «آلن وود» در خبرگزاری مهر چنین آمده بود که باید جنبه‌های جاهلانه و خرافی، غیرعقلانی و غیرعادلانه سنت‌های قدیمی در فرهنگ‌های مختلف حذف شوند و جنبه‌های مثبت و عقلانی این فرهنگ‌ها در دنیای جدید حفظ شود؛ اقدامی که کانت و هگل بدان مبادرت ورزیدند، اما مسئله چندان که ساده و راحت می‌نماید نیست؛ زیرا اولاً کدام عقل به داوری درباره جنبه‌های منفی و مثبت فرهنگ‌ها و سنت‌های قدیمی همت می‌گمارد و ملاک‌های این عقل برای داوری از چه مؤلفه‌ها و ارزش‌های متأثر گردیده و یا رنگ گرفته است؟

این محقق و مدرس دانشگاه در ادامه سخنانش اظهارداشت: نکته دیگر آنکه عقلانی دیدن وجوهی از فرهنگ‌ها و سنت‌های گذشته و گماردن آن در کنار ارزش‌های عقلانی دنیای جدید، تا چه اندازه آن سنت‌ها را از آن چارچوب و زمینه‌ای که معنای خود را از آن اخذ می‌کنند، دور می‌کند و در صورت تغییر یافتن محتوا و معنای این سنت‌های معقول و مثبت، آیا باز هم می‌توان از حفظ و یا احیای آن سنت‌ها در دنیای جدید که بر علم و عقل مدرن بنا گردیده است سخن گفت؟

ماحوزی با اشاره به اینکه به نظر می‌رسد مادامی که عقل مدرن و علم همبسته به آن تنها معیار تعیین کننده درستی ارزش‌ها و تنها مرجع داوری در مورد عقلانی و یا غیرعقلانی بودن سنت‌ها و فرهنگ‌های سنتی باشد با مشکلات فوق مواجه هستیم، تصریح کرد: البته در خود کشورهای غربی که عقل مدرن را به طور کامل تجربه کرده‌اند و از مزایا و معایب آن آگاهی دارند و به دیگر سخن آنها را تجربه کرده‌اند، تمایلی هرچند حداقلی برای متفاوت دیدن و یا مطالعه فرهنگ‌های سنتی، مستقل از داوری‌های ارزشی عقل مدرن وجود دارد و این خود بسیار ارزشمند است.

وی تأکید کرد: البته باید توجه داشته باشیم که مطالعه یک فرهنگ سنتی و شناسایی ارکان نظری و آئینی آن بسیار متفاوت از زیستن با و در یک فرهنگ سنتی است. به این معنا، مطالعات مذکور نهایتاً می‌توانند به تصویری و یا توصیفی نسبتاً صحیح از آن فرهنگ‌ها دست یابند هرچند محققانی که به این مطالعات اهتمام می‌ورزد به لحاظ عملی نتواند طبق آن رسوم و آئین‌ها بیندیشد و عمل کند.

نویسنده کتاب «فلسفه و فرهنگ» با بیان اینکه توجه من در اینجا بیش از آنکه ارزشی و جانبدارانه باشد ناظر به یک تذکر روشی در مطالعه فرهنگ‌های سنتی و انتخاب بعضی از آنها برای حضور در دنیای جدید است، گفت: به یاد داشته باشیم که تفکر مدرن یک بسته کامل است که علم و قانون و مدیریت و اقتصاد و فلسفه و غیره پایه‌ها و ستون‌های تشکیل دهنده آن هستند. از همین رو است که به راحتی نمی‌توان یک پایه از این مجموعه را کم کرد و یا یک یا چند پایه را انتخاب کرد و تعدمانه پایه‌های دیگر را انکار نمود.

ماحوزی در ادامه سخنانش اظهار داشت: تجربه زیسته کشورهای غیرغربی نشان داده است که ورود هر یک از این پایه‌ها به یک سرزمین، پایه‌ها و حلقه‌های دیگر را نیز با خود به همراه می‌آورد. حال که چنین است با این مسئله روبرو هستیم که اگر در سنت‌ها و فرهنگ‌های قدیمی نیز دقیقاً با همین وضعیت روبرو باشیم یعنی در آنجا نیز هر پایه و حلقه‌ای به پایه‌ها و حلقه‌های دیگر آن فرهنگ سنتی پیوسته و مرتبط باشد، آیا می‌توان جزئی از این فرهنگ را با حفظ تمامی اصالت‌ها جدا کرد و به جای اجزایی حذف شده از فرهنگ و تمدن مدرن قرار داد؟ پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست، چون با مسئله بسیار پیچیده‌ای روبرو هستیم؛ مسئله‌ای به پیچیدگی نسبت سنت و مدرنیته.

این کارشناس فلسفه تصریح کرد: در وضع فعلی کشور ما که هنوز سنت‌ها حضور دارند و از سوی دیگر، علم و مدیریت و بعضاً عقل مدرن کم و بیش ایفای نقش می‌کند این پیچیدگی خود را بیشتر نشان می‌دهد و بیشتر است زیرا با وضعیت یکسان - خواه سنت تمام و یا وضعیت تام و تمام مدرن - روبرو نیستیم. از یکسو، برکنار برخی از سنتها که همچنان دست‌نخورده باقی مانده‌اند. برخی از سنت‌ها دیگر حضوری ندارند و جای خود را به آداب و رفتارهای جدید داده‌اند و از سوی دیگر بسیاری از سنت‌ها به لحاظ معنایی تغییر کرده و شکل و شمایل جدیدی یافته‌اند. اینها خود برای ایجاد فاصله میان نسلی که در مجموعه کامل آن سنت‌ها و آداب و آئین‌ها و مناسک برخاسته از آن زندگی می‌کرد با نسلی که امروزه در این هویت چند تکه زندگی می‌کند کافی است.

ماحوزی افزود: در این شرایط یکی از راه‌هایی که شاید بر دیگر راه‌ها اولویت داشته باشد، معرفی صحیح عقلانیت موجود در فرهنگ و سنت اسلامی- ایرانی از یکسو و عقلانیت موجود در فلسفه و علم و مدیریت دنیای مدرن از سوی دیگر باشد.

وی در پایان سخنانش تأکید کرد: باید توجه داشته باشیم که این شفاف‌سازی بیش از آنکه تأمین کننده راهی برای آینده باشد، سدی در مقابل استفاده‌های نادرست از فرهنگ و سنت است که نتایج اسف بار آن به شیوه‌های گوناگون گهگاه دامن این سنت شکوهمند اسلامی ایرانی را گرفته است. به این معنا، به جای هراس از آشفتگی بیشتر باید به عقلانیت فرهنگ به‌مثابه نوعی واکسن فرهنگی نگریست و از مزایای آن که به مراتب از خطراتی که به آن نسبت داده می‌شود بیشتر است سود جست.